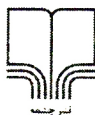


فرهنگ عامیانه مردم ایران

صادق هدایت

تینگستان، اوسانه، ترانه‌ها، آثار تحقیقی و آثار چاپ‌نشده
گردآورنده جهانگیر هدایت



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

فهرست

۹	مقدمه گردآورنده
۱۹	بیگزینان
۱۶۲	ویژه
۲۰۰	توتومدی عامیانه
۲۱۹	توتومدی فارسی
۲۳۳	فلکلر به فرهنگ توده
۲۴۲	شرح کسری برای کاوش فلکلر یک منطقه
۲۷۵	قصه و نسانه‌ها (چاپ اول)
۳۶۹	توتومدی (چاپ اول)
۴۰۱	استاد و مضامین محلی (چاپ اول)
۴۱۶	تحقیقات (چاپ اول)
۴۲۵	شعر (چاپ اول)

دیباچه نیرنگستان^۱

«بگیر طره مه طلعتی و قصه مگوی
که سعد و نحس ز تأثیر زهره و زحل است.»
حافظ

گویی مردمان کهنه و ملت‌های قدیمی بیش از ملت‌های جوان و تازه به دوران
رسیده عتذرت و خرافات عوامانه دارند، به خصوص آن‌هایی که با نژادهای
گوناگون عسکاک پیدا کرده و در نتیجه آمیزش و تماس عادات، اخلاق و
آیین‌ها مکرر و خرافات تازه‌تری تراوش نموده که پشت در پشت سرزبان‌ها

حیرت برین علاوه بر این که چندین قرن تاریخ پشت سر دارد، مانند
گوناگون ساری است که همه قافله‌های بشر از ملل متمدن و وحشی دنیای باستان
تا کنونی، آشوری، یونانی، رومی، یهودی، ترک، عرب و مغول پی‌درپی در
آنجا تاخته و با هم تماس و آمیزش داشته‌اند. از این رو کاوش و تحقیق
بر روی عتذرت عوام آن‌ها تنها از لحاظ علمی و روان‌شناسی قابل توجه است
چون تاریخی از یکت تاریخ فلسفی و تاریخی را برایمان روشن خواهد کرد و
سر از تحقیر و مذیبه این خرافات با خرافات سایر ملل می‌توانیم به ریشه و
سازمان بریم. دین، افسانه‌ها و اعتقادات مختلف پی‌بیریم. زیرا همین قبیل
اعتقادات که همه مذہب را پرورانید، ایجاد نموده و از آن‌ها نگه‌داری می‌کند،
سر حقیقت است که گدآ آدمی‌زاد را در دوره‌های گوناگون تاریخی قدم به

قدیم راهنمایی کرده و تعصب‌ها، فداکاری‌ها، امیدها و ترس‌ها را در بشر تولید نموده است و بزرگترین و قدیمی‌ترین دل‌داری‌دهنده آدمی زاد به شمار می‌آید و هنوز هم در نزد مردمان وحشی و متمدن در اغلب وظایف زندگی دخالت تام دارد - چون بشر از همه چیز می‌تواند چشم‌پوشد مگر از خرافات و اعتقادات خودش. به قول یکی از دانشمندان: «انسان یک جانور خرافات‌پرست است.» و هرگاه تحقیقات و کاوش مفصل‌تری راجع به این‌گونه افکار بنماییم به حقیقت این مطلب پی خواهیم برد ولی این کار از موضوع ما خارج است.

در موضوع اعتقادات، بشر برای راهنمایی خودش به عقل اتکاء نمی‌کند، ولی به واسطه میل و احتیاجی که به دانستن علیت وجود اشیاء دارد به قلب و احساسات و قوه تصور خودش پناهنده می‌شود. فیلسوف سرشناس ارنست هگل در خصوص پیدایش خرافات و افسانه‌ها نزد اقوال اولیه بشر معتقد است که مبدأ و اصول آن‌ها هم از یک احتیاج طبیعی ناشی می‌شود که به صورت اصل علت و معلول در قوانین عقلانی بروز کرده و به خصوص این خرافات در اثر حوادث طبیعی مانند رعد و برق، زمین‌لرزه، خسوف و کسوف و غیره که تولید ترس یا تهدید خطری را می‌نماید ایجاد می‌شود. لزوم وجود این حوادث طبیعی که محکوم قانون علت و معلول است نزد مردمان اولیه ثابت شده و می‌رساند که آنها این خاصیت را از نیاکان خودشان، میمون‌های بزرگ به ارث برده‌اند؛ چنان‌که در نزد سایر جانوران مهره‌دار نیز دیده می‌شود. مثلاً یک سگ وقتی که در مهتاب عوعو می‌کند و یا این که صدای زنگی را می‌شنود و تکان خوردن چکش میان آن را می‌بیند و یا اهتزاز بیرقی را در اثر وزش باد مشاهده می‌کند؛ از این آثار نه تنها حس ترس به او دست می‌دهد بلکه یک احتیاج مبهمی در او تولید می‌شود که علت این حوادث و آثار مجهول را پیدا بکند - یک قسمت از باورهای را در نزد مردمان ابتدایی مخصوصاً در این خرافات که بازمانده افکار موروثی اجداد میمون آن‌ها است باید جستجو کرد و قسمت دیگرش مربوط می‌شود به نیایش اجداد و احتیاجات مختلف روح و آداب و

برمی که به آنها خوی گرفته اند.^۱

هرگز خرافات و اعتقادات و افکار ملل وحشی، نیمه متمدن و متمدن را با مذهب بکنیم به این مطلب برمی خوریم که تقریباً همه آنها از یک اصل و جنبه حری شده و به صورتهای گوناگون بروز کرده. دانشمند بزرگ ادوارد تیلر که تحقیقات مفصلی در مقایسه آداب و رسوم و خرافات ملل متنوعه کرده می گوید -

«وقتی که ما عادات و اعتقادات چادرنشینان وحشی را با ممالک متمدن مقایسه نمائیم خواهیم کرد که چقدر از قسمت های تمدن پست با تغییر جزئی در آن می دیده و شناخته می شود و گاهی هم مشابهت تام دارند.»^۲

دری جبری که مهم است باید دانست همه این افکار عجیب و غریب و سحرآمیزی حده آور و زمانی شگفت انگیز که به نام خرافات شهرت دارد آیا در اثر ترویج فکر ملی پیدا شده یا نه و رابطه آنها با یکدیگر چیست؟

پسند است که توده ملت در همه جای دنیا تنها به فکر زندگی است و هیچ وقت به فکر خرافات نمی کند، ولی در هر زمان حتی در محیط های خیلی بدوی و سحرآمیزی توده منفی که تشکیل اکثریت را می دهد کسانی پیدا می شوند که فکر می کنند و خرافات را می نمایند یا به عبارت دیگر افکار و احساسات توده مردم را در صورت حسنه های احکام آمیز درمی آورند و از همین طبقه است که خرافات و اعتقادات خود را می گیرد. ولی باید دانست که یک خرافات و اعتقاد که امروزه در نظر جامعه زشت و ناپسند می آید در گذشته برای آنها را ایجاد نکرده است بلکه در نتیجه معاشرت با آنها ایجاد شده و در نتیجه فشارهای مذهبی و خارجی تحمیل شده است چنان که

حاضر اشاره خواهیم کرد.

پسند است که خرافات و اعتقادات را تجزیه و تحقیق کامل بنمائیم می توانیم

1. Haeckel, Les Enigmes de L' Univers P. 300-301

2. E. Tylor, Civilisation Primitive, vol, 1.p.8